



Addiction and Habitus in Iranian Southern Local Color Stories with Emphasis on Pierre Bourdieu's Theory of Cultural Reproduction

Maryam Mohammadzadeh^{1*}

¹ (Corresponding author), Associate Professor Department of Persian Language and Literature, Ah. c, Islamic Azad University, Ahar, Iran, Email: Maryam.mohammadzadeh@iau.ac.i

Article Info

Article type:
Research Full Paper

ABSTRACT

This study, using a descriptive-analytical approach and library-based method, examines the representation of addiction in 19 literary works by 10 authors of southern Iranian regional literature from the 1960s and 1970s. The theoretical framework is Pierre Bourdieu's theory of cultural reproduction, with an emphasis on the concepts of habitus, doxa, symbolic violence, and field, which enables the analysis of how addictive habits are stabilized and transmitted within social contexts. The main objective is to explore the functions of tobacco use, alcohol consumption, and narcotics across three domains: rural, maritime, and industrial-working class. Findings indicate that addiction in these texts is not portrayed as an individual or biological act, but rather as part of the dominant culture and habitus. In the rural domain, addiction is linked to traditions, family rituals, and the prominent role of women; in the maritime domain, it is tied to labor relations, port activities, and the informal economy; and in the industrial-working class domain, it is depicted as a symbol of social collapse, the vulnerability of modern humanity, and psychological erosion. Across all these domains, social institutions such as family, school, and the workplace, instead of countering addiction, themselves become grounds for its transmission and consolidation, and these habits are intergenerationally reproduced and naturalized through the mechanisms of doxa (naturalization) and symbolic violence (imposition through legitimate institutions). Nevertheless, moments of moral awareness and the desire for liberation are also highlighted, pointing to the possibility of resistance against cycles of reproducing social anomalies. Accordingly, the regional literature of southern Iran provides an effective platform for cultural-social critique of addiction and can play a role in the critical re-reading of society's educational and social structures.

Article history:

Received: 2025-12-25
Accepted: 2026-05-22

Keywords:

Iranian Southern Local
Color Literature
Addiction
Cultural Reproduction
Habitus
Doxa
Symbolic Violence

Cite this article Mohammadzadeh, M. (2026). Addiction and Habitus in Iranian Southern Local Color Stories with Emphasis on Pierre Bourdieu's Theory of Cultural Reproduction. *Journal of Literary and Social Research*, 5(1), 123-137.



©The author(s)

Publisher: Golestan University

Doi: 10.30488/sipl.2026.570706.1156



اعتیاد و هابیتوس در داستان‌های اقلیمی جنوب ایران با تأکید بر نظریه بازتولید فرهنگی بورديو

مریم محمدزاده¹*

¹ (نویسنده مسئول) دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد اهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اهر، ایران، رایانامه: Maryam mohammadzadeh@iau.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: مقاله کامل علمی</p> <p>تاریخ دریافت: 1404/10/4 تاریخ پذیرش: 1405/3/1</p> <p>واژه‌های کلیدی: ادبیات اقلیمی جنوب ایران اعتیاد بازتولید فرهنگی هابیتوس دکسا خشونت نمادین</p>	<p>این پژوهش با رویکرد توصیفی-تحلیلی و روش کتابخانه‌ای و با بررسی نوزده اثر داستانی از ده نویسنده اقلیم جنوب ایران در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ به بازنمایی پدیده اعتیاد در ادبیات اقلیمی جنوب ایران می‌پردازد. چارچوب نظری مطالعه، نظریه بازتولید فرهنگی پییر بورديو با تأکید بر مفاهیم هابیتوس، دکسا، خشونت نمادین و میدان است که امکان تحلیل چگونگی تثبیت و انتقال عادات اعتیادی در بسترهای اجتماعی را فراهم می‌آورد. هدف اصلی پژوهش، واکاوی کارکرد مصرف دخانیات، مشروبات الکلی و مواد مخدر در سه حوزه روستایی، دریایی و صنعتی-کارگری است. یافته‌ها نشان می‌دهند که اعتیاد در این متون نه به‌عنوان کنشی فردی یا زیستی، بلکه به‌مثابه بخشی از فرهنگ مسلط و هابیتوس تصویر می‌شود. در حوزه روستایی، اعتیاد با سنت‌ها، آیین‌های خانوادگی و نقش پررنگ زنان پیوند دارد؛ در حوزه دریایی، با مناسبات کاری، بندری و اقتصاد غیررسمی گره خورده است؛ و در حوزه صنعتی-کارگری، به‌عنوان نماد فروپاشی اجتماعی، بی‌پناهی انسان مدرن و فرسایش روانی بازنمایی می‌شود. در تمامی این حوزه‌ها، نهاد‌های اجتماعی همچون خانواده، مدرسه و محیط کار به جای مقابله با اعتیاد، خود به بستر انتقال و تثبیت آن بدل شده‌اند و این عادات از طریق سازوکارهای دکسا (طبیعی‌سازی) و خشونت نمادین (تحمیل از طریق نهاد‌های مشروع) به‌صورت بین‌نسلی بازتولید می‌شوند. با این حال، لحظاتی از آگاهی اخلاقی و میل به رهایی نیز برجسته شده است که نشان‌دهنده امکان مقاومت در برابر چرخه‌های بازتولید ناهنجاری‌ها است. بر این اساس، ادبیات اقلیمی جنوب ایران بستری مؤثر برای نقد فرهنگی-اجتماعی اعتیاد فراهم می‌آورد و می‌تواند در بازخوانی انتقادی ساختارهای تربیتی و اجتماعی جامعه نقش‌آفرین باشد.</p>

استناد: محمدزاده، مریم. (۱۴۰۵). اعتیاد و هابیتوس در داستان‌های اقلیمی جنوب ایران با تأکید بر نظریه بازتولید فرهنگی بورديو. فصلنامه علمی پژوهش‌های ادبی و اجتماعی، 5(1)، 123-137.



مقدمه

ادبیات اقلیمی جنوب ایران در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰، بستری غنی برای ترسیم زندگی روزمره و مناسبات اجتماعی مردمان این خطه فراهم آورده است. در این روایت‌ها، عناصر فرهنگی چون مصرف دخانیات، مشروبات الکلی و مواد مخدر نه فقط به‌عنوان کنش فردی، بلکه به‌مثابه بخشی از زیست‌جهان جمعی و فرهنگ مسلط جلوه‌گر می‌شوند. از این منظر، ادبیات جنوب ایران، به‌عنوان متنی انتقادی، علاوه بر بازتاب واقعیت‌های اجتماعی، امکان بازاندیشی درباره بحران‌های فرهنگی و تربیتی جامعه را فراهم می‌آورد. در این میان، نظریه بازتولید فرهنگی بوردیو چارچوبی کارآمد برای تحلیل چگونگی تثبیت و انتقال این عادات در بسترهای اجتماعی ارائه می‌دهد و به فهم عمیق‌تر نقش ادبیات در نقد و بازخوانی ساختارهای اجتماعی یاری می‌رساند.

بیان مسئله: با وجود آنکه در بسیاری از پژوهش‌ها اعتیاد به‌عنوان مسئله‌ای فردی یا زیستی بررسی شده است، روایت‌های ادبی جنوب ایران نشان می‌دهند که این پدیده، ریشه‌ای عمیق در بسترهای اجتماعی و فرهنگی دارد و از طریق نهادهایی چون خانواده، مدرسه، محیط کار و آیین‌های جمعی بازتولید می‌شود. پرسش اصلی این پژوهش آن است که ادبیات اقلیمی جنوب ایران چگونه با تمرکز بر سه حوزه روستایی، دریایی و صنعتی-کارگری، اعتیاد را به‌مثابه بخشی از فرهنگ مسلط بازنمایی می‌کند و از چه سازوکارهایی برای انتقال بین‌نسلی این عادات سخن می‌گوید. در کنار این بازتولید ناهنجاری‌ها، تحقیق حاضر می‌کوشد نشانه‌های مقاومت و آگاهی اخلاقی در شخصیت‌ها را آشکار سازد؛ نشانه‌هایی که می‌تواند امکان بازسازی الگوهای تربیتی سالم را فراهم آورند. بنابراین مسئله اصلی مقاله، بررسی رابطه میان ادبیات اقلیمی جنوب ایران و فرآیند بازتولید فرهنگی اعتیاد است؛ رابطه‌ای که از یک سو به تثبیت هابیتوس منجر می‌شود و از سوی دیگر، امکان نقد و بازاندیشی در ساختارهای تربیتی و اجتماعی را پیش می‌نهد.

اهمیت و ضرورت تحقیق: اهمیت این پژوهش در آن است که بررسی بازتاب‌های ادبی جنوب ایران می‌تواند به نقد ساختارهای تربیتی و اجتماعی بینجامد و ظرفیت ادبیات محلی را برای بازاندیشی در بحران‌های فرهنگی آشکار کند. ادبیات در این معنا نه تنها بازتاب واقعیت‌های اجتماعی است، بلکه ابزاری انتقادی برای ارائه راهکارهای اصلاحی در حوزه تربیت و سیاست‌گذاری فرهنگی محسوب می‌شود. بهره‌گیری از چارچوب نظری بازتولید فرهنگی بوردیو نیز امکان فهم دقیق‌تر سازوکارهای تثبیت و انتقال بین‌نسلی عادات اعتیادی را فراهم می‌سازد و ضرورت پرداختن به این موضوع را برجسته می‌کند.

جامعه آماری و روش تحقیق: این پژوهش با رویکرد توصیفی-تحلیلی و بر پایه تحلیل محتوای متون ادبی اقلیمی جنوب ایران سامان یافته است. جامعه آماری پژوهش شامل نوزده اثر داستانی از ده نویسنده اقلیم جنوب ایران در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ است که عبارت‌اند از: ترس و لرز از غلامحسین سعدی (۱۳۴۷)؛ شلوارهای وصله‌دار (۱۳۵۷) و لولی سرمست (۱۳۵۳) از رسول پرویزی؛ مد و مه (۱۳۴۸)، جوی و دیوار و تشنه (۱۳۵۲) و خروس (۱۳۴۹) از ابراهیم گلستان؛ سووشون (۱۳۴۸)، شهری چون بهشت (۱۳۵۲) و به کی سلام کنم (۱۳۵۹) از سیمین دانشور؛ گیاهک (۱۳۵۸) و نان و گل (۱۳۵۷) از نسیم خاکسار؛ انتری که لوطیش مرده بود (۱۳۲۸) و تنگسیر (۱۳۴۲) از صادق چوبک؛ با شبیرو (۱۳۵۷) از محمود دولت‌آبادی؛ تابستان همان سال (۱۳۴۸) از ناصر تقوایی؛ همسایه‌ها (۱۳۵۷) از احمد محمود؛ و شب‌های دوبه‌چی (۱۳۵۰)، آفتابگردان (۱۳۵۷) و رقص در انبار (۱۳۵۲) از ناصر مؤذن. معیار گزینش آثار، حضور پررنگ مضامین مرتبط با اعتیاد (مصرف دخانیات، مشروبات الکلی و مواد مخدر) و توانایی آن‌ها در بازتاب شرایط اجتماعی و فرهنگی زمانه بوده است. داده‌های استخراج‌شده پس از مطالعه دقیق آثار، در سه حوزه روستایی، دریایی و صنعتی-کارگری دسته‌بندی گردید و سپس با اتکا به نظریه بازتولید فرهنگی بوردیو، با تأکید بر مفاهیم هابیتوس، دکسا، خشونت نمادین و میدان، تحلیل شد تا سازوکارهای انتقال بین‌نسلی و طبیعی‌سازی این عادات روشن شود.

پیشینه تحقیق: بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که موضوع اعتیاد در مطالعات میان‌رشته‌ای، به‌ویژه در حوزه‌های روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و ادبیات، مورد توجه قرار گرفته است. پژوهش‌های داخلی و خارجی مرتبط بدین شرح است:

الف. پژوهش‌های داخلی: محمدزاده (نوبت چاپ) در مقاله «از رنج تا روایت: خوانشی تطبیقی از اعتیاد در آثار سیمین دانشور» با رویکرد توصیفی - تطبیقی نشان داده است که مصرف مواد اعتیادآور در آثار دانشور از شکل سنتی و پذیرفته‌شده، مانند قلیان و تریاک در سووشون، به بحران‌های روانی و اجتماعی در ساختارهای مدرن بدل می‌شود. شرونی و پارسانسب (۱۴۰۴) در مقاله «مسیر رنج زنان در جامعه سنتی ایران با تحلیل دو رمان سگ و زمستان بلند و طوبا و معنای شب براساس آراء پییر بوردیو» به این نتیجه رسیده‌اند که ساختارهای سنتی، رنج زنان را از طریق مکانیسم‌های فرهنگی بازتولید می‌کنند. این پژوهش از آن جهت با تحقیق حاضر قابل مقایسه است که هر دو از نظریه بازتولید فرهنگی بوردیو به‌عنوان چارچوب نظری استفاده کرده‌اند. تفاوت آن‌ها در موضوع مورد بررسی است: شرونی و پارسانسب بر رنج زنان تمرکز دارند، در حالی که پژوهش حاضر اعتیاد را به‌مثابه یک آسیب اجتماعی بازتولیدشونده بررسی می‌کند.

جبلو، اسلامی و خان‌محمدی (۱۴۰۴) در پژوهش «از اعتیاد تا توسعه‌نیافتگی؛ تحلیل کیفی پیامدهای مواد مخدر بر توسعه اجتماعی در ایران» نشان داده‌اند که اعتیاد نه تنها یک مسئله فردی، بلکه عاملی بازدارنده در مسیر توسعه اجتماعی و فرهنگی کشور است. این پژوهش از نظر محتوایی با تحقیق حاضر قابل مقایسه است؛ چه آنکه هر دو بر پیامدهای اجتماعی اعتیاد تأکید دارند، با این تفاوت که رجبو و همکاران از منظر جامعه‌شناختی کلان به مسئله نگریسته‌اند، در حالی که پژوهش حاضر از طریق تحلیل متون ادبی به این مسئله می‌پردازد.

هاشمی (۱۴۰۲) در مقاله «بازتاب پدیده اعتیاد در شعر معاصر» به بررسی حضور اعتیاد در اشعار شاعران معاصر پرداخته و نشان داده است که این پدیده حتی در قالبی ظریف‌تر از داستان (یعنی شعر) نیز بازتابی گسترده دارد. یافته اصلی این پژوهش آن است که شاعران معاصر، اعتیاد را نه به‌عنوان یک رذیلت فردی، بلکه به‌مثابه پاسخی جمعی به بحران‌های اجتماعی بازتابی کرده‌اند.

صادقی‌شهر (۱۳۹۷) در مقاله «سه گونگی اقلیمی؛ طرحی نو در داستان نویسی اقلیمی جنوب» نشان داده است که ادبیات اقلیمی جنوب ایران را می‌توان در سه حوزه روستایی، دریایی و شهری - صنعتی دسته‌بندی کرد. این دسته‌بندی مبنای ساختاری پژوهش حاضر را شکل می‌دهد و از لحاظ روش‌شناختی با آن قابل مقایسه است. تفاوت در هدف پژوهش است: صادقی‌شهر صرفاً به معرفی این سه حوزه پرداخته، در حالی که پژوهش حاضر از این دسته‌بندی برای تحلیل بازتابی اعتیاد استفاده می‌کند.

غدیری صورمان‌آبادی، عبدالمحمدی و یوسف‌زاده (۱۳۹۶) در مقاله «مروری بر عوامل روان‌شناختی مرتبط با گرایش به سوءمصرف مواد مخدر در ایران» نشان داده‌اند که متغیرهایی همچون دل‌بستگی ناپایمن، خودکارآمدی پایین، سبک‌های فرزندپروری مستبدانه و سهل‌گیرانه، تکانشگری و تاب‌آوری پایین، نقش مهمی در گرایش به اعتیاد دارند. این پژوهش از لحاظ رویکرد با تحقیق حاضر تفاوت بنیادین دارد (روان‌شناختی فردی در مقابل جامعه‌شناختی - فرهنگی).

علی‌وردی‌نیا (۱۳۸۵) در مقاله «مطالعه جامعه‌شناختی اعتیاد به مواد مخدر در ایران» با تأکید بر کارکرد نهادهای اجتماعی، اعتیاد را یکی از مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی معرفی می‌کند که در بستر ضعف سرمایه اجتماعی و ناکارآمدی نظام‌های حمایتی گسترش می‌یابد. این پژوهش از لحاظ نظری با تحقیق حاضر قابل مقایسه است؛ چه آنکه هر دو بر نقش نهادهای اجتماعی در تثبیت یا گسترش اعتیاد تأکید دارند. تفاوت در روش و حوزه مطالعه است: علی‌وردی‌نیا از روش پیمایشی و در سطح کلان اجتماعی استفاده کرده، در حالی که پژوهش حاضر از طریق تحلیل متون ادبی به این مسئله می‌پردازد.

طهماسبی، نوریان و طغیانی اسفرجانی (۱۳۸۴) در مقاله «بازتاب پدیده اعتیاد در شعر صائب» نشان داده‌اند که در شعر کلاسیک فارسی نیز می‌توان ردپای بازنمایی اعتیاد را یافت. هرچند این پژوهش به ادبیات اقلیمی جنوب ایران مرتبط نیست، اما از نظر تاریخی نشان می‌دهد که «اعتیاد» در ادبیات فارسی پیشینه‌ای دیرینه دارد و پدیده‌ای نوظهور محسوب نمی‌شود.

ب. پژوهش‌های خارجی: در سطح بین‌المللی نیز پژوهش‌های متعددی به بازنمایی اعتیاد و مواد مخدر در ادبیات پرداخته‌اند که می‌توانند افق تازه‌ای در تحلیل ادبیات اقلیمی جنوب ایران بگشایند.

اسپلر (Speller, 2011) در کتاب Bourdieu and Literature به بررسی کاربرد مفاهیم بوردیو (هابیتوس، میدان، سرمایه) در تحلیل متون ادبی پرداخته است. این اثر از آن جهت با تحقیق حاضر قابل مقایسه است که هر دو تلاش می‌کنند چارچوب نظری بوردیو را به حوزه ادبیات تعمیم دهند. تفاوت در این است که اسپلر عمدتاً بر ادبیات زبان انگلیسی و مبانی نظری متمرکز است، در حالی که پژوهش حاضر بر ادبیات اقلیمی جنوب ایران و موضوع خاص اعتیاد تأکید دارد.

پارکین (Parkin, 2013) در کتاب Habitus and Drug Using Environments به بررسی رابطه میان هابیتوس و محیط‌های مصرف مواد مخدر پرداخته است. او نشان می‌دهد که محیط‌های جغرافیایی و اجتماعی خاص (مانند بنادر، مناطق حاشیه‌نشین و محله‌های فقیرنشین) چگونه هابیتوس‌های اعتیادی را شکل می‌دهند و تثبیت می‌کنند. این پژوهش از دو جهت با تحقیق حاضر قابل مقایسه است: نخست، هر دو بر نقش «مکان» و «محیط» در شکل‌گیری اعتیاد تأکید دارند؛ دوم، هر دو از مفهوم هابیتوس بوردیو بهره می‌برند. تفاوت در این است که پارکین به محیط‌های واقعی مصرف مواد می‌پردازد، در حالی که پژوهش حاضر به بازنمایی این محیط‌ها در ادبیات می‌پردازد.

مویل و کومبر (Moyle & Coomber, 2017) در مقاله «Bourdieu on supply: Utilizing the 'theory of practice' to understand complexity and culpability in heroin and crack cocaine user-dealing» نظریه عمل بوردیو می‌تواند پیچیدگی‌های قاچاق و توزیع مواد مخدر در میان مصرف‌کنندگان را تبیین کند. این مقاله از لحاظ نظری با تحقیق حاضر قابل مقایسه است؛ چه آنکه هر دو از مفاهیم بوردیو برای تحلیل پدیده‌ای مرتبط با مواد مخدر استفاده کرده‌اند. تفاوت در موضوع مطالعه است: مویل و کومبر بر «توزیع و قاچاق» متمرکزند، در حالی که پژوهش حاضر بر «بازنمایی مصرف» در ادبیات تأکید دارد.

بررسی پیشینه‌های داخلی و خارجی نشان می‌دهد که تا کنون مطالعه‌ای که به طور نظام‌مند به بازنمایی اعتیاد در داستان‌های اقلیمی ایران، با تفکیک سه حوزه روستایی، دریایی و صنعتی-کارگری و با بهره‌گیری از نظریه بازتولید فرهنگی بوردیو پرداخته باشد، انجام نشده است. بیشتر پژوهش‌های پیشین یا به عوامل روان‌شناختی فردی توجه داشته‌اند، یا کلیت جامعه را بدون تفکیک حوزه‌های فرهنگی-اقتصادی تحلیل کرده‌اند، یا در صورت توجه به ادبیات، به تک‌نویسنده یا تک‌اثر بسنده کرده‌اند. همچنین کاربرد مفاهیم بوردیو در تحلیل ادبیات ایران عمدتاً در سطح نظری باقی مانده (اسپلر، ۲۰۱۱) یا به موضوعاتی غیر از اعتیاد پرداخته است (شرونی و پارسانسب، ۱۴۰۴). پژوهش حاضر می‌کوشد این خلأ را پر کند.

مبانی نظری تحقیق

مبانی نظری این پژوهش بر اندیشه‌های پییر بوردیو درباره بازتولید فرهنگی و مفهوم هابیتوس استوار است. بوردیو در کتاب بازتولید در آموزش، جامعه و فرهنگ تأکید می‌کند که نظام آموزشی و تربیتی نه صرفاً ابزار انتقال دانش، بلکه سازوکاری برای بازتولید نابرابری‌های اجتماعی و فرهنگی است: «نظام آموزشی با پنهان کردن منشأ طبقاتی موفقیت‌ها و شکست‌ها، به بازتولید ساختارهای اجتماعی موجود کمک می‌کند» (بوردیو، ۱۴۰۱: ۲۷) و «فرهنگ مسلط از طریق نهادهای آموزشی به نسل‌های بعد منتقل می‌شود» (همان: ۴۳).

در این چارچوب، اعتیاد در روایت‌های اقلیمی جنوب ایران بخشی از هابیتوس تلقی می‌شود؛ مجموعه‌ای از گرایش‌ها و عادات درونی شده که در تعامل با شرایط اجتماعی و اقتصادی شکل می‌گیرند و رفتارهای فردی و جمعی را هدایت می‌کنند (همو، ۱۳۸۴: ۹۲). اما تحلیل صرفاً بر اساس هابیتوس ناقص است؛ چه آنکه در نظریهٔ بوردیو سه مفهوم بنیادین دیگر نیز نقش محوری دارند: دُکسا، خشونت نمادین و میدان.

دکسا به مجموعه باورها و نادانسته‌هایی اطلاق می‌شود که چنان طبیعی جلوه می‌کنند که دیگر به‌عنوان «باور» شناخته نمی‌شوند. در حوزهٔ اعتیاد، دکسا همان فرآیندی است که طی آن مصرف قلیان، تریاک یا الکل چنان در زندگی روزمره تثبیت می‌شود که دیگر «مسئله» تلقی نمی‌گردد. به عبارت دیگر، قدرت دکسا در نادیده گرفتن امکان دگرگونی است. خشونت نمادین نیز فرآیند تحمیل معنا از طریق نهادهای مشروع (خانواده، مدرسه، دین) است به‌گونه‌ای که تحمیل‌شوندگان خود آن را طبیعی و مشروع می‌پندارند. در روایت‌های جنوب، وقتی عمویی به برادرزاده‌اش مشروب می‌نوشاند (دانشور، ۱۳۸۰: 123) یا معلم تریاکی تاریخ تدریس می‌کند (پرویزی، ۱۳۵۷: 92)، خشونت نمادین در خالص‌ترین شکل خود رخ می‌دهد: نهادهایی که باید محافظ باشند، به عامل انتقال آسیب بدل می‌شوند. میدان نیز فضای اجتماعی نسبتاً مستقلی است که کنشگران در آن برای انباشت سرمایه‌های مختلف (اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی) رقابت می‌کنند. در این پژوهش، سه حوزهٔ روستایی، دریایی و صنعتی-کارگری به‌مثابهٔ سه میدان مستقل در نظر گرفته می‌شوند که هرکدام منطق درونی و سرمایه‌های خاص خود را دارند.

بوردیو با طرح چهار نوع سرمایه-اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و نمادین- نشان می‌دهد که نابرابری در دسترسی به این سرمایه‌ها به تثبیت آسیب‌های اجتماعی منجر می‌شود (بوردیو، ۱۳۸۵: ۶۴). خانواده، مدرسه، محیط کار و آیین‌های محلی نیز در انتقال این عادات نقش دارند. زارع رمشتی (۱۴۰۰: ۸۸) هابیتوس را «ساختاری ذهنی و بدنی» می‌داند که از طریق تجربهٔ زیسته در میدان‌های اجتماعی شکل می‌گیرد. میرزایی و همکاران (۱۴۰۴: ۱۳۰) نیز آن را نظامی از گرایش‌های پایدار معرفی می‌کنند که رفتار فرد را در تعامل با میدان‌های اجتماعی هدایت می‌کند.

ادبیات اقلیمی جنوب ایران بازتاب‌دهندهٔ شرایط خاص جغرافیایی و اجتماعی این منطقه است و در سه حوزهٔ اصلی دسته‌بندی می‌شود: حوزهٔ روستایی: روایتگر زندگی کشاورزان و دشواری‌های معیشتی؛ حوزهٔ دریایی: داستان‌هایی پیرامون صیادی، تجارت دریایی و فرهنگ ساحلی؛ حوزهٔ صنعتی-کارگری: بازتاب زندگی کارگران صنایع نفت، گاز و بندرها و چالش‌های طبقاتی (صادقی‌شهیر، ۱۳۹۷: ۴۲). بر این اساس، چارچوب نظری تحقیق حاضر اعتیاد در روایت‌های اقلیمی جنوب ایران را بازتابی از بازتولید ناهنجاری‌های فرهنگی و تربیتی می‌داند که از طریق سازوکارهای دکسا (طبیعی‌سازی)، خشونت نمادین (تحمیل از طریق نهادهای مشروع) و هابیتوس (درونی‌سازی عادات) عمل می‌کند. این متون نشان می‌دهند که رفتار والدین، معلمان و بزرگ‌ترها یا به انتقال آسیب‌ها منجر می‌شود یا به‌عنوان ابزاری برای گریز از مسئولیت‌های تربیتی عمل می‌کند. در عین حال، لحظاتی از آگاهی اخلاقی و میل به رهایی نیز در این روایت‌ها برجسته شده است که امکان مقاومت در برابر چرخه‌های بازتولید ناهنجاری‌ها را نشان می‌دهد. این لحظات را می‌توان شکاف‌هایی در دکسا و به‌چالش کشیدن خشونت نمادین تعبیر کرد.

بحث

ادبیات اقلیمی جنوب ایران به‌عنوان بازتابی از زیست‌جهان مردمان این منطقه، بستری مناسب برای مطالعهٔ پدیدهٔ اعتیاد فراهم می‌آورد. در این روایت‌ها، اعتیاد نه صرفاً یک رفتار فردی، بلکه بخشی از هابیتوس است که در تعامل با شرایط اقتصادی و فرهنگی شکل می‌گیرد. از آنجا که حوزه‌های روستایی، دریایی و صنعتی-کارگری تفاوت‌های بنیادین در ساختار اجتماعی و معیشتی دارند، بررسی جداگانه هر یک ضروری است. این تفکیک امکان می‌دهد سازوکارهای خاص بازتولید فرهنگی اعتیاد در هر حوزه آشکار شود و نقش نهادهای اجتماعی و کارکردهای تربیتی در انتقال بین‌نسلی این عادات با دقت بیشتری تحلیل گردد. بدین ترتیب، پژوهش حاضر می‌کوشد نشان دهد که ادبیات اقلیمی

جنوب ایران چگونه هم بازتاب‌دهندهٔ تثبیت عادات ناسالم است و هم ظرفیت‌هایی برای مقاومت و بازاندیشی در برابر چرخه‌های بازتولید ناهنجاری‌ها را در خود دارد.

حوزهٔ روستایی: در حوزهٔ روستایی اقلیم جنوب، مصرف دخانیات و موادی چون تریاک، قلیان، سیگار و الکل تنها به‌عنوان رفتار زیستی روزمره تصویر نمی‌شوند، بلکه نشانه‌هایی از سبک زندگی، مناسبات اجتماعی و حالات روانی شخصیت‌ها به شمار می‌آیند. در داستان ترس و لرز، قلیان علاوه بر کارکرد مصرفی، به‌مثابهٔ نمادی فرهنگی و اجتماعی بازنمایی شده است. سالم احمد در لحظه‌ای پراضطراب به قلیان پناه می‌برد و آن را راهی برای آرامش و رهایی از اضطراب می‌داند: «دلم پرهول شده، خدا کمکم بکنه» (ساعدی، ۱۳۷۷: ۷). آنچه در این صحنه از منظر بوردیویی حائز اهمیت است، طبیعی‌سازی مصرف در چارچوب دکسا است: قلیان نه به‌عنوان یک «مسئله» یا «خطر»، بلکه به‌مثابهٔ «راه‌حل» اضطراب بازنمایی می‌شود. همچنین حضور مداوم قلیان در قایق‌ها و اتاق‌ها، همراه با مردانی که بی‌وقفه دود غلیظی به فضا می‌فرستند (همان: ۵۵، ۷۸)، جایگاه تثبیت‌شدهٔ این عادت در زندگی روزمرهٔ مردم جنوب را نشان می‌دهد.

در *شلوارهای وصله‌دار*، اعتیاد به دخانیات و الکل در لایه‌های مختلف اجتماعی و خانوادگی بازتاب یافته است. در عشق نیمه‌کاره، قلیان به‌عنوان نشانه‌ای از زن سنتی جنوب تصویر می‌شود: «قلیان می‌کشند و وراجی می‌کنند» (پرویزی، ۱۳۵۷: ۲۴۵).

این تصویر تثبیت یک هابیتوس فرهنگی زنانه را نشان می‌دهد. در همان مجموعه، سیگار کشیدن به فضای مدرسه راه می‌یابد: «همین که زنگ تفریح را می‌زدند، کبریت‌ها کشیده می‌شد و سیگارها دود می‌شد» (همان: ۲۴۳). حتی معلم تاریخ، میرزا جوادخان، به‌عنوان فردی تریاکی معرفی می‌شود که در حالت نشنگی تاریخ باستان را تدریس می‌کند (همان: ۹۲). این بازنمایی‌ها نشان می‌دهند که نهاد مدرسه، به جای ایفای نقش تربیتی، خود به بستر بازتولید ناهنجاری بدل شده است. از منظر بوردیو، این صحنه‌ها خشونت نمادین را به تصویر می‌کشند: نهادی که باید ارزش‌های سالم را منتقل کند، خود عامل تحمیل و تثبیت عادات ناسالم می‌شود.

در داستان‌های دیگر نیز مصرف الکل در خانواده و روابط اجتماعی بازتولید می‌شود: پدر خانواده در داستان *ابراهیم*، با توجیهی پزشکی، «عرق دو آتشه خلار شیراز را می‌نوشد» (همان: ۶۹) و آن را به‌عنوان «دوا» بخشی از زندگی روزمرهٔ خود قرار می‌دهد. در عوضی‌نگیرید، بساط عرق‌خواری بخشی از پذیرایی خانوادگی است (همان: ۱۴۲) و در «زنگ انشا»، پدر دانش‌آموزی فرزندش را برای تهیه شیشهٔ عرق می‌فرستد و سپس بدمستی می‌کند (همان: ۸۶). این صحنه‌ها آشکارا انتقال آسیب‌های اعتیادی در بستر خانواده را نشان می‌دهند. در اینجا، خانواده به‌مثابهٔ میدانی عمل می‌کند که دکسا در آن بازتولید می‌شود: مصرف الکل چنان طبیعی شده که حتی کودکان نیز در آن مشارکت داده می‌شوند.

در داستان *لولی سرمست*، قلیان به‌عنوان نمادی از مهمان‌نوازی و آیین‌های اجتماعی بازنمایی می‌شود؛ در مراسم ختنه‌سوران میرزا، هر کس وارد مجلس می‌شود بی‌درنگ چای و قلیان برایش آماده می‌گردد و «هنوز پکی به قلیان نزده، ساقی جمع شربت نسترن را به کامش می‌بندد» (پرویزی، ۱۳۸۴: ۲۰۶). این تصویر، پیوند قلیان با لحظات جشن و گردهمایی را نشان می‌دهد. حضور فعال زنان در این آیین، با صحنه‌هایی چون پیرزن‌هایی که «خال‌های هاشمی گنده وسط ابرو کوبیده بودند» و «قلیان می‌کشیدند و از هر دری سخن می‌گفتند» (همان: ۲۲۳)، بیانگر مشارکت آنان در بازتولید این عادت فرهنگی است. در همین داستان، بدمستی پدر پس از نماز خواندن (همان: ۱۷۸) و تجربهٔ خام راوی از نوشیدن الکل (همان: ۱۹۹)، نشان‌دهندهٔ درهم‌تنیدگی اعتیاد با آیین‌های مذهبی و روابط خانوادگی است. این درهم‌تنیدگی را می‌توان مصداق خشونت نمادین از طریق نهاد دین دانست: حتی پس از نماز، مصرف الکل نه تنها منع نمی‌شود، بلکه به امری عادی بدل می‌گردد.

در مدّ و مه نیز مصرف تریاک، بخشی از مناسبات اجتماعی است؛ افسر شهربانی تریاک می‌کشد (گلستان، ۱۳۴۸: ۵۸) و در دوره‌های هفتگی، بساط منقل و وافور برپا می‌شود (همان: ۶۴). در *از روزگار رفته* می‌خوانیم در میان زنان نیز رایج است (همان: ۴۸)؛ پدر راوی عرق را از پیاله‌ای نقره‌ای می‌نوشد (همان: ۲۸). در داستان *در بار یک فرودگاه*، کسب‌وکار عرق‌فروشی بخشی از زندگی روزمره است (همان: ۴۸). در *عشق سال‌های سبز* از مجموعه *جوی و دیوار* تشنه، نیز نوشیدن آبجو به تجربه روزمره بدل می‌شود (گلستان، ۱۳۷۲: ۵۴). این روایت‌ها نشان می‌دهند که اعتیاد در مناسبات اجتماعی و خانوادگی طبیعی‌سازی شده است. آنچه بورديو «دکسا» می‌نامد در اینجا به وضوح دیده می‌شود: مصرف چنان بديهی تلقی می‌شود که هیچ‌یک از شخصیت‌ها آن را به پرسش نمی‌کشد.

در آثار سیمین دانشور، به‌ویژه در *سووشون*، بازنمایی قلیان، تریاک و الکل فراتر از یک رفتار فردی، بخشی از فرهنگ مسلط و هابیتوس است. دندان‌های سیاه‌شده یوسف از دود قلیان (دانشور، ۱۳۸۰: ۵) و پناه بردن زری به قلیان با وجود دل‌به‌هم‌خوردگی (همان: ۶۵) نمونه‌ای از طبیعی‌سازی این عادت است. حضور گسترده تریاک در میان زنان و مردان، از خان‌کاکا که به خواهرش یادآور می‌شود «تریاکت دیر می‌شود همشیره» (همان: ۲۳) تا عمه‌خانم که با دست لرزان وافور می‌کشد و راوی با بیانی تصویری و احساسی این صحنه را روایت می‌کند: «زری، چشم‌هایش پر از اشک شد. دستش می‌لرزید، تریاک را به حقه بچسباند. تریاک از دستش رها شد و در آتش افتاد و دود تریاک بلند شد» (همان: ۵۸) بازتولید فرهنگی اعتیاد را نشان می‌دهد. لحظه نذر ترک اعتیاد عمه‌خانم که می‌گوید: «نذر کرده‌ام پایم به ضریح امام حسین که رسید، تریاک را ترک کنم. همان‌جا حقه وافور را خواهم شکست» (همان: ۱۶۷)، نمونه‌ای از آگاهی اخلاقی و امکان مقاومت است. از منظر بورديو، این لحظه یک شکاف در دکسا است: برای اولین بار، مصرف تریاک به‌عنوان یک «مسئله» دیده می‌شود که نیاز به ترک دارد. مصرف الکل نیز در روایت‌های مختلف دیده می‌شود: مستی مک‌ماهون (همان: ۱۲)، نوشیدن ویسکی توسط ابوالقاسم (همان: ۳۴)، و صحنه نماز خواندن روسپی پیش از عرق‌خوری (همان: ۹۱) نشان‌دهنده درهم‌تنیدگی اعتیاد با آیین‌های مذهبی و روابط اجتماعی است. حتی انتقال ناهنجاری به نسل بعدی در صحنه نوشاندن شراب به کودک توسط ابوالقاسم‌خان آشکار است: «از حالا بخور و سعی کن از این دنیا لذت ببری... دنیا ارزش این را ندارد» (همان: ۱۲۳). این صحنه بارزترین مصداق خشونت نمادین در مقاله است: کودک به‌عنوان کنشگری بی‌اختیار، در میدان خانواده و از طریق نهاد عمو، با مصرف الکل آشنا می‌شود و این آشنایی نه به‌عنوان تحمیل، بلکه به‌عنوان «هدیه» یا «آموزش زندگی» بازنمایی می‌گردد. در داستان *بازار وکیل* نیز قلیان حضوری معنادار دارد؛ نخودبریز پکی به قلیان می‌زند (دانشور، ۱۳۶۱: ۱۳۷) و مرمر با اطوار خاص دود را از بینی بیرون می‌دهد و خاطرات گذشته را بازگو می‌کند (همان: ۱۳۲).

این نمونه‌ها نشان می‌دهند که در حوزه روستایی جنوب ایران، اعتیاد به دخانیات، تریاک و الکل نه یک کنش فردی، بلکه بخشی از فرهنگ مسلط و هابیتوس است. بر اساس نظریه بازتولید فرهنگی بورديو، این روایت‌ها فرآیند انتقال بین‌نسلی عادات ناسالم را از طریق دکسا (طبیعی‌سازی مصرف در آیین‌ها و سنت‌ها) و خشونت نمادین (تحمیل این عادات از طریق نهادهای خانواده، مدرسه و دین) آشکار می‌سازند. با این حال، لحظاتی چون نذر ترک اعتیاد یا احساس گناه مذهبی در هنگام نوشیدن باده، شکاف‌هایی در دکسا و نشانه‌هایی از امکان مقاومت هستند، هرچند این مقاومت اغلب فردی و شکننده باقی می‌ماند.

حوزه دریایی: در حوزه دریایی جنوب ایران، مصرف دخانیات، مشروبات الکلی و مواد مخدر تنها ابزار روایت نیست، بلکه به‌عنوان نمادهایی از وضعیت روانی، اجتماعی و اقتصادی شخصیت‌ها بازتاب یافته است. در مجموعه *گیاهک*، دریانوردان شب را با قلیان و عرق‌خواری می‌گذرانند (خاکسار، ۱۳۵۸: ۱۸). عبدو در پیشخوان خسرو سیگار می‌کشد (همان: ۴۹)، و نوجوانی به دلیل یافتن هروئین در خانه اربابش بازداشت می‌شود (همان: ۵۹). در *نان و گل*، نیز جبور سال‌ها در کافه‌های کوچک کنار شط، به نوشیدن مشغول است (همو، ۱۳۵۷: ۳۲-۳۳). پدر راوی با چپق (همان: ۸-۹) و جبور با سیگار (همان: ۱۶، ۳۴) تصویر شده‌اند؛ این حضور مکرر دخانیات و الکل نشان‌دهنده تثبیت چنین عادات در

زیست‌جهان دریایی است. تداوم این رفتارها همان چیزی است که بورديو آن را انتقال هایبیتوس می‌نامد؛ مجموعه‌ای از عادات و رفتارها که در بسترهای کاری و تفریحی بازتولید شده و به‌عنوان بخشی از هویت جمعی به نسل‌های بعد منتقل می‌شود. در این حوزه، دکسا چنان قدرتمند عمل می‌کند که مصرف در محیط‌های کاری نه تنها منع نمی‌شود، بلکه به‌عنوان بخشی از «فرهنگ دریانوردی» پذیرفته می‌گردد.

در داستان *چرا دریا طوفانی شده* بود از مجموعه *انتری که لوطیش مرده بود*، شوهرهای کامیون در باتلاق با وافور و بطری عرق تصویر می‌شوند: کاکا سیاه، «با چهره فرسوده، کنار منقل و وافور و بطری عرق چرت می‌زند» (چوبک، 1328: ۹)؛ عباس با وافور حرف می‌زند و آن را مک می‌زند (همان: ۱۲). اکبر شوهر نیز تنباکو زیر لب می‌گذارد (همان: ۱۴). در تنگسیر نیز مصرف تنباکو، تریاک و ویسکی بخشی از زندگی روزمره شخصیت‌ها است: از پدرزن زارمحمد که تنباکوی برازجونی دود می‌کند (همو، 1377: 51) تا کریم که پس از صبحانه تریاکش را می‌کشد (همان: 89). میرزا ته سیگارش را تو زیر سیگاری بلور روی پیشخوان می‌چلاند (همان: 136). مشتری قدیمی، هر روز صبح به مغازه آساتور می‌آید، و یک قوطی سیگار از او می‌خرد (همان: 138). و زارمحمد از الکلی بودن فرنگی‌ها در آهنگری می‌گوید: «نیم ساعت کار می‌کردن، بعدش زهوارشون درمی‌رفت؛ یه لیوان ویسکی سر می‌کشیدن» (همان: 23)؛ این نمونه‌ها نشان می‌دهد که مصرف دخانیات و الکل نه تنها در محیط‌های دریایی، بلکه در مناسبات کارگری و اجتماعی نیز تثبیت شده است. از منظر بورديو، این بازنمایی‌ها خشونت نمادین را در میدان کار نشان می‌دهند: کارگری که برای ادامه کار نیاز به «ترمیم» خود با الکل یا مواد دارد، این نیاز را نه به‌عنوان یک آسیب، بلکه به‌مثابه بخشی طبیعی از زندگی کاری خود می‌پذیرد.

در *باشیرو، سیگار کشیدن، مشروب‌خواری و قمار در مناسبات اجتماعی و خانوادگی بازنمایی می‌شود*: قریش در معدن سیگار می‌کشد (دولت‌آبادی، ۱۳۵۷: ۲۹). ناخدا پشت سرهم توتون دود می‌کند (همان: ۷۷). عبید، کبریت را از لای انگشت‌های جاسم می‌گیرد و سیگارش را روشن می‌کند (همان: ۶۵). در خانه عبید، قمار و مشروب‌خواری رایج است (همان: ۲۱). در شام عروسی، قریش بطری عرق خرما را بیرون می‌آورد و استکان‌ها را پر می‌کند (همان: ۳۳-۳۴). جاسم نیز از دکان عرق‌فروشی بطری می‌خرد و کنار دریا می‌نوشد (همان: ۶۸). این تصاویر نشان‌دهنده بازتولید فرهنگ اعتیاد در خانواده و روابط اجتماعی هستند. آنچه این حوزه را از حوزه روستایی متمایز می‌کند، پیوند اعتیاد با اقتصاد غیررسمی و میدان کار بندری است.

در *سوتر/، فروش هروئین در بندرعباس با لحنی انتقادی روایت می‌شود*: «گرد سفید را می‌بردم در معبد سفیدمان در بندرعباس می‌فروختم. جوان‌ها می‌آمدند، می‌خریدند و با ولع گرد می‌زدند» (دانشور، ۱۳۵۹: ۲۴۱). این روایت، پیوند میان اقتصاد غیررسمی و فرهنگ مصرف مواد مخدر را آشکار می‌کند. در اینجا، میدان اقتصاد غیررسمی به‌عنوان بستری عمل می‌کند که نه تنها مصرف، بلکه توزیع مواد را نیز بازتولید می‌کند.

در داستان *خروس، قلیان و انواع مشروبات الکلی به‌عنوان بخشی از پذیرایی و آیین‌های اجتماعی تصویر می‌شوند*. کدخدا با قلیان از مهمانان پذیرایی می‌کند (گلستان، ۱۳۷۴: ۲۲-۲۳) و برای آنان کنیاک و ویسکی می‌ریزد. او در گفت‌وگو با راوی، مشروبات را به‌مثابه دارویی برای تسکین پا درد، نقرس و دردهای مفصلی معرفی می‌کند: «تو این هوا نخوری پا درد و نقرس و باد مفاصل و کمر درد و آب مرواری امان بهت می‌دن هیچوقت؟» (همان: ۶۸). این روایت، مصرف الکل را در قالب منطق تسکین و درمان سنتی مشروعیت‌بخشی می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه باورهای شبه‌پزشکی، مصرف را در فرهنگ بندری طبیعی‌سازی کرده و به هایبیتوس جمعی تبدیل می‌سازند. این توجیه «درمانی» یکی از قدرتمندترین سازوکارهای دکسا است: مصرف نه به‌عنوان یک لذت یا اعتیاد، بلکه به‌عنوان یک «نیاز پزشکی» بازنمایی می‌شود.

در حوزه دریایی جنوب ایران، اعتیاد به دخانیات، الکل و مواد مخدر به‌عنوان بخشی از فرهنگ مسلط و هایبیتوس بازنمایی می‌شود؛ رفتاری که در مناسبات کاری، بندری، خانوادگی و آیینی بازتولید و طبیعی‌سازی شده است. بر اساس

نظریه‌ی بازتولید فرهنگی بوردیو، این عادات از طریق نهادهای اجتماعی و روابط روزمره به نسل‌های بعد منتقل شده و نابرابری‌های اجتماعی را تثبیت می‌کنند. با این حال، آنچه حوزه‌ی دریایی را از حوزه‌ی روستایی متمایز می‌کند، ضعف شدیدتر مقاومت است. فشار مضاعف محیط کار (دوری از خانواده، خطرپذیری بالای شغل دربانوردی) و اقتصاد غیررسمی (دسترسی آسان به مواد) چنان دکسا را مستحکم کرده است که تقریباً هیچ شکافی در آن دیده نمی‌شود.

حوزه‌ی صنعتی - کارگری: در روایت‌های ادبی حوزه‌ی صنعتی - کارگری، اعتیاد صرفاً یک بیماری فردی نیست، بلکه نمادی از فروپاشی اجتماعی، انزوای انسان مدرن، و بی‌پناهی مردانی است که در بندرها و اسکله‌ها، میان دود سیگار و بوی الکل به دنبال آرامشی موقت یا گریز از واقعیت هستند. با این حال، در دل همین بازنمایی‌ها، لحظاتی از آگاهی اخلاقی و امکان مقاومت نیز پدیدار می‌شود؛ لحظاتی که چرخه‌ی طبیعی‌سازی اعتیاد را به چالش می‌کشند. این حوزه از حیث نظری اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا برخلاف دو حوزه‌ی دیگر، شکاف‌های بیشتری در دکسا و مقاومت‌های آشکارتری در برابر خشونت نمادین دیده می‌شود.

در *همسایه‌ها*، اعتیاد شخصیت‌هایی چون پدر خالد، رحیم خرکچی، امان آقا و خواجه توفیق نشان می‌دهد که مصرف مواد و مشروبات در لایه‌های مختلف جامعه نفوذ کرده است. پدر خالد گاهی «کنار منقل چندک می‌زند و سیگار می‌پیچد» (احمد محمود، ۱۳۵۷: ۱۵) و گاهی نیز «پای منقل چندک زده است و خیال بیرون رفتن ندارد» (همان: ۱۷). رحیم خرکچی با چپق پرنفس دود می‌کند (همان: ۵)، امان آقا با دوستانش به عرق خوری و تریاک‌کشی می‌پردازد (همان: ۸۷) و خواجه توفیق با بوی تریاکش «حیاط دنگال را پر می‌کند» (همان: ۲۱). او «وافور را کوک می‌کند و می‌دهد به دست شیخ شعیب» (همان: ۶). بلورخانم نیز برای عرق خوری بیرون می‌رود (همان: ۹۲). این نمونه‌ها نشان می‌دهد که اعتیاد در این اثر نه یک کنش فردی، بلکه بخشی از هابیتوس است که در مناسبات روزمره بازتولید می‌شود.

همین متن، لحظات مقاومت نیز دیده می‌شود: نمک با لحنی انتقادی جاسم و داود را سرزنش می‌کند (همان: ۶۹) و همین سرزنش، لحظه‌ای از نقد اجتماعی است. از منظر بوردیو، این سرزنش را می‌توان به‌چالش کشیدن دکسا تعبیر کرد: برای اولین بار، مصرف به‌عنوان یک «مسئله» مطرح می‌شود و نه یک امر بدیهی. حتی توجیه دینی خواجه توفیق درباره‌ی تریاک - «تریاک علی‌الخصوص بر آدمائی به سن و سال من و تو که نورعلی نوره وانگهی اگه تریاک به جون آدم لطمه می‌زد و یا اگه آدمو از صراط مستقیم به در می‌کرد که شارع مقدس حرامش می‌کرد» (همان: ۲۹) - هرچند در ظاهر طبیعی‌سازی است، اما نشان می‌دهد که اعتیاد نیاز به مشروعیت‌بخشی دارد؛ این خود نشانه‌ای از آگاهی نسبت به خطر و وجود شکاف در دکسا است.

در داستان *تابستان همان سال*، فضای بندر با بوی عرق و دود سیگار، نمادی از فرسایش انسان در برابر زمان و بی‌پناهی اجتماعی است. شخصیت‌ها در سایه‌ی اعتیاد و مستی، به دنبال فرار از واقعیت هستند. «سرپار شمار» با دهانی که بوی عرق می‌دهد (تقوایی، ۱۳۴۸: ۱۳)، مردانی که در قایق‌های موتوری پنهان می‌شوند تا دود سیگارشان دیده نشود (همان: ۱۴)، و خورشیدو که هم‌زمان سیگار و مشروب مصرف می‌کند (همان: ۱۸)، همگی نشان‌دهنده‌ی تثبیت عادات مصرفی در زیست‌جهان بندری هستند، اما عاشور در مستی، ناگهان پیری خود را در آینه می‌بیند (همان: ۵۸)؛ لحظه‌ای تلخ از خودآگاهی که نشان می‌دهد شخصیت‌ها گاه با واقعیت فرسایش ناشی از اعتیاد روبه‌رو می‌شوند. این خودآگاهی را می‌توان خروج موقت از ایلوزیو (باور به اهمیت بازی مصرف) تعبیر کرد. عاشور ناگهان می‌بیند که بازی مصرف چه بهایی از او گرفته است.

در *شب‌های دوبه‌چی*، سیگار به‌عنوان آیین آرام‌سازی بازنمایی می‌شود. دوبه‌چی با وسواس سیگارش را آماده می‌کند: «از جیب جلیقه قوطی سیگارش را درآورد و توتون‌های زعفرانی را میان کاغذ سیگار ریخت، فشرد، لول کرد سیگار را آتش زد و به یادش آمد که کنار منقل پر آتش چمباتمه زده بود» (مؤذن، ۱۳۵۰: ۹). شیرو، آرزو می‌کند اگر پول داشت، کپر کوچکی کنار باشگاه می‌زد و مدام عرق می‌خورد (همان: ۷۶). مردی، آبجو را در لیوان بنفش بلوری

می‌ریزد و با دقت به حباب‌ها نگاه می‌کند و زمزمه می‌کند: «تازه‌س» (همان: ۷۹). اما در همین متن، مقاومت نیز حضور دارد: زائر با جاشوی هندی ناخوانده‌ای مواجه می‌شود که قوطی آبجویی در دست دارد و با عباراتی شکسته عذرخواهی می‌کند، سپس قوطی آبجو را به سمت زائر تعارف می‌کند، اما زائر با بی‌اعتنایی، دست او را پس می‌زند (همان: ۱۱). این کنشی کوچک، اما آشکار از امتناع در برابر پذیرش اعتیاد و به‌چالش کشیدن نمادین است. جاسم و داود نیز در عرق خوری گرفتار می‌شوند، ولی نمک با لحنی انتقادی آنان را سرزنش می‌کند (همان: ۶۹) و این نقد اجتماعی، لحظه‌ای از آگاهی جمعی است که چرخه بازتولید را متزلزل می‌سازد.

در *آفتابگردان*، بشیر در سایه فقر و بیکاری به الکل پناه می‌برد. شیشه بغلی برای او چیزی فراتر از یک نوشیدنی است؛ همدمی صمیمی و تسکین‌دهنده که با عطش و احترام در آغوش می‌گیرد و حتی با آن سخن می‌گوید: «فقط تو هستی که منو می‌فهمی... تلخی، اما تسکین می‌دی» (مؤذن، ۱۳۵۷: ۲۸). روزهای بی‌پایان الکل خوری آغاز می‌شود؛ «او ظاهراً الکل می‌خورد اما در واقع الکل او را می‌خورد» (همان: ۲۸). این وابستگی جسم و روحش را فرسوده کرده و خواب را نیز از او گرفته است (همان: ۳۹). بشیر در انزوای خودخواسته، با سیگار و الکل روزگار می‌گذراند (همان: ۳۹). این روایت نشان می‌دهد که اعتیاد در بستر فقر و بی‌پناهی، به‌عنوان بخشی از فرهنگ مسلط بازتولید شده است، اما همین جمله تلخ «الکل او را می‌خورد» لحظه‌ای از خودآگاهی را آشکار می‌کند؛ پذیرش فرسایش جسم و روح که می‌تواند نقطه آغاز مقاومت ذهنی باشد. در داستان *رقص در انبار*، تصویر عبود قاچاقچی که حوضی را پر از آبجو می‌کند (مؤذن، ۱۳۵۲: ۵۲)، و حمالی که مدام به قلیان پک می‌زند (همان: ۱۱۶)، نشان‌دهنده افراط در مصرف و تثبیت اعتیاد در مناسبات روزمره است.

در حوزه صنعتی - کارگری، اعتیاد به دخانیات و الکل نه یک کنش فردی، بلکه بخشی از فرهنگ جمعی و هابیتوس است که در مناسبات روزمره بازتولید و طبیعی‌سازی می‌شود. با این حال، آنچه این حوزه را از دو حوزه دیگر متمایز می‌کند، تنوع و پرنگی لحظات مقاومت است: مقاومت جمعی (نقد و سرزنش دیگران)، مقاومت عملی (امتناع زائر از پذیرش آبجو)، و مقاومت ذهنی (خودآگاهی عاشور و بشیر). این مقاومت‌ها را می‌توان شکاف در دکسا، به‌چالش کشیدن خشونت نمادین و خروج موقت از ایلوزیو تعبیر کرد. هرچند این مقاومت‌ها محدود و شکننده باقی می‌مانند، اما حضور آن‌ها در متون حوزه صنعتی - کارگری نشان می‌دهد که چرخه بازتولید فرهنگی در این حوزه با چالش‌های بیشتری روبه‌روست.

بررسی تطبیقی اعتیاد در حوزه‌های سه‌گانه: برای مقایسه تطبیقی سه حوزه روستایی، دریایی و صنعتی - کارگری در بازنمایی اعتیاد و مصرف دخانیات و الکل در ادبیات جنوب ایران، می‌توان بر اساس نظریه بازتولید فرهنگی بوردیو شباهت‌ها، تفاوت‌ها و همسانی‌ها را بررسی کرد:

وجوه مشترک (مشابهت‌ها و همسانی‌ها)

الف) بازتولید فرهنگی از طریق دکسا: در هر سه حوزه، اعتیاد و مصرف دخانیات و الکل نه یک کنش فردی، بلکه بخشی از فرهنگ مسلط و هابیتوس است که در خانواده، آیین‌های اجتماعی و محیط‌های کاری بازتولید می‌شود. دکسا (طبیعی‌سازی) در همه این حوزه‌ها چنان قدرتمند عمل می‌کند که مصرف به‌عنوان یک امر بدیهی و غیرقابل پرسش پذیرفته می‌شود.

ب) خشونت نمادین از طریق نهادهای مشروع: در هر سه حوزه، نهادهای اجتماعی همچون خانواده، مدرسه، محیط کار، و حتی آیین‌های مذهبی به جای مقابله با اعتیاد، خود به بستر انتقال و تثبیت آن بدل شده‌اند. این همان خشونت نمادین است: نهادهایی که باید محافظ باشند، عامل تحمیل و بازتولید آسیب می‌شوند.

ج) پیوند با مناسبات جمعی: اعتیاد در مهمانی‌ها، جشن‌ها، قهوه‌خانه‌ها، بندرها و اسکله‌ها، به نشانه‌ای از هم‌نشینی و تعامل اجتماعی بدل می‌شود. این پیوند نشان می‌دهد که اعتیاد نه در خلأ فردی، بلکه در بستر روابط اجتماعی و آیینی معنا پیدا می‌کند.

د) **انتقال بین‌نسلی:** در هر سه حوزه، اعتیاد به‌عنوان بخشی از فرهنگ مسلط به نسل‌های بعدی انتقال می‌یابد و در قالب عادات روزمره تثبیت می‌گردد. صحنه‌هایی چون نوشاندن شراب به کودک در سووشون یا حضور نوجوانان در مصرف سیگار و مواد در روایت‌های بندری و کارگری، آشکارا این انتقال را نشان می‌دهند.

تفاوت‌ها

الف: حوزه روستایی: مصرف قلیان و تریاک بیشتر به‌عنوان بخشی از سنت و آیین‌های خانوادگی و مذهبی بازنمایی می‌شود.

- زنان نقش پررنگی در بازتولید این عادات دارند.

- مقاومت بیشتر در سطح فردی و درونی است (نذر ترک، احساس گناه مذهبی).

- این مقاومت‌ها شکاف‌های موقتی در دکسا هستند، اما به سرعت بسته می‌شوند.

- خشونت نمادین عمدتاً از طریق نهاد خانواده و دین اعمال می‌شود.

ب. حوزه دریایی: مصرف دخانیات و مشروبات در محیط‌های کاری و تفریحی دریانوردان و کارگران بندر بازنمایی می‌شود.

- پیوند اعتیاد با میدان اقتصاد غیررسمی (مانند فروش هروئین در بندرعباس) پررنگ‌تر است.

- روایت‌ها بیشتر بر مردان کارگر و دریانوردان تمرکز دارند و زنان حضور کم‌رنگ‌تری دارند.

- مقاومت بسیار ضعیف و تقریباً غایب است؛ فشار مضاعف محیط کار و اقتصاد غیررسمی دکسا را مستحکم‌تر کرده است.

- ایلوزیو (باور به اهمیت بازی مصرف) در این حوزه قوی‌تر از دو حوزه دیگر است.

ج. حوزه صنعتی-کارگری

- اعتیاد به‌عنوان نماد فروپاشی اجتماعی و بی‌پناهی انسان مدرن بازنمایی می‌شود.

- روایت‌ها بیشتر بر کارگران و مردان حاشیه‌نشین در بندرها و اسکله‌ها تمرکز دارند.

- مصرف مواد با حس بی‌پناهی، فرسایش روانی و تلاش برای فرار از واقعیت پیوند خورده است.

- لحظات مقاومت پررنگ‌تر از دو حوزه دیگرند: مقاومت جمعی (نقد و سرزنش دیگران)، مقاومت عملی (امتناع از پذیرش مصرف)، مقاومت ذهنی (خودآگاهی نسبت به فرسایش). این مقاومت‌ها را می‌توان شکاف‌های عمیق‌تر در دکسا، به‌چالش کشیدن خشونت نمادین و خروج موقت از ایلوزیو تعبیر کرد. با این حال، این مقاومت‌ها همچنان محدود و شکننده باقی می‌مانند.

جدول مقایسه تطبیقی اعتیاد در سه حوزه روستایی، دریایی و صنعتی-کارگری

حوزه	ویژگی‌های بازنمایی اعتیاد	نقش نهادهای اجتماعی	نوع مقاومت	شدت مقاومت	مفاهیم کلیدی بوردیو
روستایی	مصرف قلیان و تریاک در قالب سنت‌ها و آیین‌های خانوادگی و مذهبی؛ حضور پررنگ زنان در بازتولید	خانواده و مدرسه به‌جای تربیت، خود بستر بازتولید اعتیاد می‌شوند	فردی و اخلاقی (نذر ترک، احساس گناه مذهبی)	شکننده و کوتاه‌مدت؛ شکاف‌های موقتی در دکسا	دکسا (طبیعی‌سازی در آیین‌ها)، خشونت نمادین (خانواده و دین)
	مصرف دخانیات و مشروبات در محیط‌های کاری و	محیط‌های کاری و بندری مصرف را بخشی از مناسبات	مقاومت بسیار ضعیف یا غایب	تقریباً محو؛ دکسای مستحکم، ایلوزیوی قوی	میدان اقتصاد غیررسمی، سرمایه اقتصادی، ایلوزیو،

دریایی	تفریحی دریانوردان و کارگران بندر؛ پیوند با اقتصاد غیررسمی	روزمره می‌دانند؛ اقتصاد غیررسمی آن را تقویت می‌کند		دکسای قوی
صنعتی- کارگری	اعتیاد به‌عنوان نماد فروپاشی اجتماعی و بی‌پناهی انسان مدرن؛ تمرکز بر کارگران و مردان حاشیه‌نشین	محیط‌های کارگری و روابط اجتماعی مصرف را تثبیت می‌کنند	متنوع: جمعی (نقد و سرزنش)، عملی (امتناع از مصرف)، ذهنی (خودآگاهی)	خشونت نمادین (نهاد کار)، مقاومت به‌مثابه به‌چالش کشیدن دکسا، خروج از ایلوزیو

نتیجه‌گیری

بررسی تطبیقی سه حوزه روستایی، دریایی و صنعتی-کارگری در ادبیات جنوب ایران نشان می‌دهد که اعتیاد به دخانیات، تریاک و مشروبات الکلی نه یک بیماری فردی، بلکه بخشی از فرهنگ مسلط و هابیتوس است که در خانواده، آیین‌های اجتماعی، محیط‌های کاری و حتی نهادهای آموزشی بازتولید و تثبیت می‌شود. در هر سه حوزه، دکسا (طبیعی‌سازی) و خشونت نمادین (تحمیل از طریق نهادهای مشروع) چنان قدرتمند عمل می‌کنند که مصرف‌کنندگان خود خواستار ادامه این عادات هستند و آن‌ها را جزئی از هویت جمعی خود می‌پندارند.

در حوزه روستایی، اعتیاد بیشتر با سنت‌ها و آیین‌های خانوادگی و مذهبی گره خورده و زنان نقشی پررنگ در انتقال این عادات دارند. خشونت نمادین در اینجا از طریق نهاد خانواده و آیین‌های مذهبی اعمال می‌شود. مقاومت در این حوزه عمدتاً فردی و اخلاقی است (نذر ترک، احساس گناه مذهبی) که می‌توان آن را شکافی موقتی در دکسا تعبیر کرد، اما این شکاف‌ها سریعاً بسته می‌شوند. در حوزه دریایی، مصرف دخانیات و مشروبات با مناسبات کاری، بندری و اقتصاد غیررسمی پیوند خورده است. در این میدان، سرمایه اقتصادی شرط لازم برای ورود به بازی مصرف است و ایلوزیو (باور به اهمیت این بازی) چنان قوی است که مقاومت تقریباً غیرممکن می‌نماید. دکسا در این حوزه از همه مستحکم‌تر است. در حوزه صنعتی-کارگری، اعتیاد به‌عنوان نماد فروپاشی اجتماعی، بی‌پناهی انسان مدرن و فرسایش روانی بازنمایی می‌شود. در این حوزه، لحظات مقاومت پررنگ‌تر و متنوع‌ترند، از نقد اجتماعی و امتناع عملی گرفته تا خودآگاهی تلخ نسبت به فرسایش جسم و روح. این مقاومت‌ها را می‌توان به‌چالش کشیدن دکسا، مقاومت در برابر خشونت نمادین و خروج موقت از ایلوزیو تفسیر کرد. نکته مهم آن است که این مقاومت‌ها علی‌رغم پررنگ‌تر بودن نسبت به دو حوزه دیگر، همچنان محدود و شکننده باقی می‌مانند و چرخه بازتولید فرهنگی در نهایت بر آن‌ها غلبه می‌کند.

در مجموع، ادبیات جنوب ایران با بازنمایی این سه حوزه، تصویری چندلایه از فرهنگ مسلط ارائه می‌دهد؛ فرهنگی که در آن اعتیاد به‌عنوان بخشی از هویت جمعی تثبیت شده است. اما آنچه تحلیل بوردیویی را از یک توصیف صرف متمایز می‌کند، نشان دادن سازوکارهای نامرئی این تثبیت است: دکسا به ما می‌گوید چرا اعتیاد دیگر «دیده نمی‌شود»؛ خشونت نمادین روشن می‌کند که چگونه نهادهای مشروع آن را بازتولید می‌کنند؛ هابیتوس نشان می‌دهد که این عادات چگونه در بدن و ذهن کنشگران جای می‌گیرند؛ و میدان و سرمایه توزیع نابرابر امکان مقاومت را توضیح می‌دهند. بدین ترتیب، نام بوردیو صرفاً یک پوشش نظری نیست، بلکه ابزاری برای دیدن آن چیزی است که در نگاه اول نادیده گرفته می‌شود: طبیعی‌سازی نظم موجود.

یافته‌های این پژوهش کاربردهای عملی متعددی دارد: در حوزه آموزش و پرورش، بازنمایی نقش منفی مدرسه در بازتولید اعتیاد می‌تواند هشدار برای برنامه‌ریزان درسی تلقی شود تا متون ادبی اقلیمی را با رویکرد انتقادی در کتب درسی بگنجانند. سازمان‌های مبارزه با مواد مخدر می‌توانند از ظرفیت ادبیات اقلیمی در آگاه‌سازی عمومی استفاده کنند و نمایش طبیعی‌سازی اعتیاد در آیین‌های خانوادگی و اجتماعی را در کمپین‌های پیشگیری مورد توجه قرار

دهند. در مددکاری اجتماعی و مشاوره، الگوهای مقاومت شناسایی شده در این پژوهش (چون نذر ترک اعتیاد در سووشون یا خودآگاهی تلخ در *تابستان همان سال*) می‌تواند به عنوان نمونه‌های عینی از امکان گسست از چرخه اعتیاد به کار رود. الگوی تحلیلی ارائه شده در این پژوهش (تفکیک سه حوزه و بررسی تطبیقی مقاومت‌ها بر اساس مفاهیم دکسا، خشونت نمادین و ایلویو) می‌تواند به عنوان چارچوبی برای مطالعه سایر آسیب‌های اجتماعی در ادبیات اقلیمی ایران مورد استفاده قرار گیرد. سرانجام این پژوهش نشان می‌دهد که ادبیات داستانی صرفاً بازتاب واقعیت نیست، بلکه می‌تواند نقشی انتقادی و دگرگون‌ساز ایفا کند و تأکید بر «لحظات مقاومت» در روایت‌ها الگویی برای خلق داستان‌هایی با پایان باز و امیدبخش ارائه می‌دهد. بدین ترتیب، ادبیات اقلیمی جنوب ایران نه تنها متنی برای تحلیل جامعه‌شناختی، بلکه ابزاری مؤثر برای مداخلات عملی در حوزه‌های آموزشی، درمانی و فرهنگی محسوب می‌شود.

منابع

الف. کتب

- بوردیو، پی.یر (1384). *منطق کنش*، ترجمه مراد فرهادپور، تهران: طرح نو.
- بوردیو، پی.یر (1385). *صورت‌های سرمایه*، ترجمه مراد فرهادپور، تهران: طرح نو.
- بوردیو، پی.یر (۱۴۰۱). *بازتولید در آموزش، جامعه و فرهنگ*، ترجمه تهمتن برومند، تهران: طرح نو.
- پرویزی، رسول (1357). *شلوارهای وصله‌دار*، تهران: جاوید.
- پرویزی، رسول (1384). *لولی سرمست*، تهران: آئینه جنوب.
- تقوایی، ناصر (1348). *تابستان همان سال*، بی‌جا: لوح.
- چوبک، صادق (1328). *انتری که لوطیش مرده بود*، تهران: جیبی.
- چوبک، صادق (1377). *تنگسیر*، تهران: جاویدان.
- خاکسار، نسیم (1358). *گیاهک*، تهران: جیبی.
- خاکسار، نسیم (1357). *نان و گل*، تهران: جهان کتاب.
- دانشور، سیمین (1359). *به کی سلام کنم*، تهران: خوارزمی.
- دانشور، سیمین (1361). *شهری چون بهشت*، تهران: خوارزمی.
- دانشور، سیمین (1380). *سووشون*، تهران: خوارزمی.
- دولت‌آبادی، محمود (1357). *با شبیرو*، تهران: گلشایی.
- رجب‌لو، جعفر، اسلامی، محمدحسین، خان محمدی، احسان (۱۴۰۴). «از اعتیاد تا توسعه‌نیافتگی؛ تحلیل کیفی پیامدهای مواد مخدر بر توسعه اجتماعی در ایران»، *مطالعات جامعه‌شناختی توسعه پایدار*، 2 (1): 67-86.
- زارع رمشتی، مهران (1400). «بازتاب هابیتوس در طراحی نشان‌واره‌های صنعتی از نگاه بوردیو»، *فلسفه هنر*، شماره 20: 100-85. doi: 10.22051/PGR.2025.49762.1321
- ساعدی، غلامحسین (1377). *ترس و لرز*، تهران: قطره.
- شرونی، سمیه؛ پارسانسب، محمد (1404). «مسیر رنج زنان در جامعه سنتی ایران با تحلیل دو رمان سگ و زمستان بلند و طویا و معنای شب براساس آراء پی‌یر بوردیو»، *پژوهش‌های ادبی و اجتماعی*، 4 (10): 18-1.
- doi: 10.30488/sipl.2025.495851.1073
- صادقی‌شهری، رضا (1397). «سه گونه‌ی اقلیمی؛ طرحی نو در داستان نویسی اقلیمی جنوب»، *فصلنامه پژوهشنامه ادبیات داستانی*، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه رازی، سال هفتم، شماره 24: 81-107.
- doi:20.1001.1.26766531.1397.7.24.5.0

- طهماسبی، فریدون؛ نوریان، مهدی؛ طغیان‌ی اسفرجانی، اسحاق (1384). «بازتاب پدیده اعتیاد در شعر صائب»، *دانشکده ادبیات و علوم انسانی*، شماره 41: 167-184.
- علی‌وردی‌نیا، اکبر (1385). «مطالعه جامعه‌شناختی اعتیاد به مواد مخدر در ایران»، *رفاه اجتماعی*، 5 (20): 193-212.
- غدیری صورمان‌آبادی، محمد؛ عبدالمحمدی، مسعود؛ یوسف‌زاده، مهدی (۱۳۹۶). «مروری بر عوامل روان‌شناختی مرتبط با گرایش به سوءمصرف مواد مخدر در ایران»، *مجله رویش روانشناسی*، 6(3): 239-254.
- گلستان، ابراهیم (1348). *مد و مه*، تهران: روزن.
- گلستان، ابراهیم (1372). *جوی و دیوار و تشنه*، تهران: روزن.
- گلستان، ابراهیم (1374). *خروس*، تهران: روزن.
- محمدزاده، مریم (نوبت چاپ). «از رنج تا روایت: خوانشی تطبیقی از اعتیاد در آثار سیمین دانشور»، *دهخدا*.
- محمود، احمد (1357). *همسایه‌ها*، تهران: امیرکبیر.
- مؤذن، ناصر (1350). *شب‌های دوبه‌چی*، بی‌جا: ارژنگ.
- مؤذن، ناصر (1357). *آفتابگردان*، تهران: نقش جهان.
- مؤذن، ناصر (1352). *رقص در انبار*، بی‌جا: زهره.
- میرزایی، حامد؛ محمدزاده، مهدی؛ صفورا، محمدعلی (۱۴۰۴). «تحلیل شکل‌گیری هویت و ساختارهای اجتماعی در انیمیشن‌های «روح» و «پینوکیوی گیرمو دل تورو» براساس هابیتوس بوردیو»، *جلوه هنر*، شماره 46: 125-141. doi: 10.22051/JJH.2024.47566.2196
- هاشمی، کاظم (1402). «بازتاب پدیده اعتیاد در شعر معاصر»، *پژوهش‌های نوین ادبی*، دوره دوم: 231-254.
- Speller, J. R. W. (2011). *Bourdieu and Literature*. Cambridge: Open Book Publishers.
- Parkin, S. (2013). *Habitus and Drug Using Environments: Health, Place and Lived-Experience*. Farnham: Ashgate Publishing.
- Moyle, L., & Coomber, R. (2017). Bourdieu on supply: Utilizing the 'theory of practice' to understand complexity and culpability in heroin and crack cocaine user-dealing. *International Journal of Drug Policy*.